

محمود صالحی فوراً باید آزاد گردد

علی خدری

بیست نهم فروردین ماه هشتاد و شش

دوشنبه ۹ آوریل ۲۰۰۷ برابر با ۲۰ فروردین ۱۳۸۶ محمود صالحی، از رهبران برجسته کارگری و سخنگوی "کمیته کاربدستان قضائی و امنیتی جمهوری اسلامی با این هماهنگی برای ایجاد تشکل"، با خدعه و فریب دستگیر شد. محمود را گرفتند تا از برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه امسال جلوگیری کنند. درست است که محمود خیال خام از فعالین بنام تشکل سازی و از برگزار کنندگان شاخص مراسمهای روز جهانی کارگر و از الهام بخشان آن بوده و هست، اما او، همچون هر رهبر و فعال دیگر کارگری به شیوه جمعی کار کرده و این سنت را در جنبش کارگری تقویت نموده است. هر رهبری که به شیوه جمعی و تیمی کار کند بی رهرو نمیماند.

محمود مثل دهها هزار کارگر و فعال کارگری در آغوش انقلاب ایران پرورده شد. او، که در دوران انقلاب تازه داشت عنفوان نوجوانی را پشت سر میگذاشت، دست در دست دیگر کارگران در مبارزات ضد سلطنتی و انقلابی مردم کارگر و زحمتکش شرکت کرد و به محض سقوط رژیم شاهنشاهی در بهمن ۱۳۵۷ در باز سازی "اتحادیه خبازان سقز" شرکت کرد. این اتحادیه در محل ساواک قدیم استقرار یافت تا مظهري از یک جابهجائی اساسی باشد. کارگرانی که تشکل دموکراتیک خود را در محل بدنامترین ابزار سرکوب رژیم به گور سپرده شده مستقر کرده بودند، در اولین قدم در جهت از یاد دستمزد و بهبود شرایط کار کارگران خباز کوشیدند. آنها با ارائه خواستهای خود به جنگ کارفرمایانی رفتند که سالهای سال از طریق استثمار شدید کارگران و سواستفاده از امکانات شهرداریها و دولت به اختاپوسی تبدیل شده بودند. این اختاپوسها به امید بهرگیری از پشتیبانی ارتجاع به تقاضاهای کارگران بی اعتنائی نمودند. کارگران تحت رهبری سندیکای تازه احیا شده اعتصاب کردند و صاحبان نانوآخانهها را واداشتند تا به خواستههایشان گردن نهند. پیروزی در یک کار دسته جمعی، که با هدایت سندیکا انجام گرفت، این درس پایه ای را به محمود داد که با سازماندهی، با ایجاد تشکل و با همکاری جمعی و تیمی میتوان به جایی رسید. اکثر کارهای محمود در سالهای بعد به شیوه سازمانگرانه پیش رفت. نقش کلیدی او در ایجاد "انجمن صنفی کارگران خباز سقز"، که در عمل برای تداوم کار سندیکا درست شد؛ رهبری تلاشهای سازمانگرانه که به ایجاد "شرکت تعاونی مصرف کارگران خباز سقز" انجامید؛ ایفای نقش کلیدی در ایجاد کمیتهها و شوراهای برگزاری اول ماه مه و سرانجام ایفای نقش تعیین کننده در سازمان دادن "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل" گویای این مدعاست.

آنچه که بسیار به اختصار مورد اشاره قرار گرفت تنها بخشی از فعالیتهای مبارزاتی این رهبر و فعال کارگری است. او با اتکا به کارگران و فعالین همکار خود در متینگیهای بزرگ نقش ضد کارگری خانه کارگر و شوراهای اسلامی و حامیان آنها را افشا کرد و داغ رسوائی بر پیشانی فعالین این تشکلهای دولت ساخته کوبید. او در اواخر

آوریل ۲۰۰۴ از دیوار امنیتی رژیم جمهوری اسلامی گذشت و شرایط کاری، معیشتی و سیاسی طبقه کارگر ایران را با ارائه فاکت‌ها برای هیئت کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری بیان کرد. او در همانجا به هیئت اطلاع داد که وی و سایر فعالین و کارگران مبارز در اول مه، روز جهانی کارگر را بطور مستقل برگزار خواهند کرد، مورد هجوم نیروهای مسلح رژیم قرار خواهند گرفت و دستگیر خواهند شد. این اتفاق افتاد. می‌گویند یک فاکت عملی گاه باندازه چندین گزارش موثر خواهد افتاد. دستگیری محمود و همکارانش، کشمکش آنها برای دفاع از خود و توحش نیروهای انتظامی و اقدامات سرکوبگرانه رژیم آن فاکتی بود که به "کنفدراسیون ... " نمایاند که کارگران ایران از همان حداقل حقوق صنفی و سیاسی که در جهان سرمایه‌داری به رسمیت شناخته شده بطور کلی محرومند. بر بستر فضای سیاسی موجود در غرب علیه جمهوری اسلامی رهبران اتحادیه‌های کارگری در اروپای غربی به بخشی از اعتراضاتی تبدیل شدند که در داخل ایران برای آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه براه افتاد. مجموعه این اعتراضات و مبارزات به بهبود تناسب قوا بین سرمایه‌داران و رژیم حامی آنها از یکطرف و کارگران از طرف دیگر انجامید. همین محمود را بعنوان یک رهبر کارگری سراسری تثبیت نمود و شهرتی جهانی را نصیبش کرد. او با اتکا به پشتیبانی وسیع کارگران و نهادهای کارگری در داخل و خارج در تدارک و سازماندهی و نیز پیشبرد چند مراسم مستقل روز کارگر شرکت کرد و به صورت الهام بخش و مظهر این مراسمها درآمد.

ماموران رژیم این مظهر مبارزاتی را با فریب دستگیر کردند تا از هر اعتراضی در شهر جلوگیری کنند. اما فعالین کارگری، کارگران مبارز و مردم آزاده با تشدید فعالیت خود در ایجاد تشکل و برگزاری مراسمهای امسال به رژیم جواب خواهند داد. آنها امسال خواست "محمود صالحی فورا آزاد باید گردد" را بر پلاکاردهای خود خواهند نوشت، آنرا فریاد خواهند زد و آنرا در قطعنامه‌های خود خواهند نوشت.

علی خدیری

۱۳ آوریل ۲۰۰۷، لندن